

نقد کتاب مجموعه مباحثی از مدیریت در اسلام

مؤلف و سخنران: حجت الاسلام والمسلمین دکتر ولی الله نقی پورفر^۱

ناقد: دکتر عبدالله توکلی^۲ به نمایندگی از ناقدان^۳

تاریخ برگزاری: ۸۷/۲/۲۶

حجت الاسلام دکتر ولی الله نقی پورفر با بیان اینکه کتاب مجموعه مباحثی از مدیریت در اسلام، یک سوم از مباحث مطرح شده در سخنرانی برای مدیران بنیاد شهید در سال‌های ۸۰-۸۱ بوده است، عناوین کلی ده گانه کتاب را این چنین برشمرد:

۱. ارزش عقل و اهمیت مدیریت در اسلام؛ ۲. رابطه عقل و وحی؛ ۳. تأثیر اسلام بر حوزه‌های سه گانه پژوهشگر، مبانی و مسائل مدیریت؛ ۴. مدیریت اسلامی در قرآن و سیره معصومان (علیهم السلام)؛ ۵. شرایط ارزشی عام مدیریت اسلامی؛ ۶. ضرورت جایگاه شغلی و مدیریت زنان در جامعه؛ ۷. تأثیر عوامل غیرمادی در اندیشه و تصمیم‌های انسان؛ ۸. قرآن و نگرش سیستمی؛ ۹. قرآن و اقتضائات؛ ۱۰. کمال قرآن و سطوح ادراکی رفتاری مدیران و جامعه.

ناقد: ابتدا نقد در دو حوزه محتوایی و روشی و سپس به صورت مصداقی طرح می‌شود که در هر یک از این حوزه‌ها به نکات کامل و موفق در اثر اشاره، و با پرسیدن برخی پرسش‌ها، سرانجام، پیشنهاد اصلاحی و توسعه‌ای ارائه می‌شود. برخی نکات مثبت این اثر از لحاظ محتوایی عبارت‌اند از: ۱. استنباط خوب، استشادهای بسیار مطلوب و استخراج لطایف مدیریتی از قرآن مجید؛ ۲. شجاعت در خوب بیان کردن مطالب و القای آن بدون هراس از فضای عمومی در رشته یا جامعه؛ مانند پرداختن به موضوع اشتغال یا مدیریت زنان؛ ۳. داشتن نگرش جامع از قرآن در استنباط نکات، مسائل و مبانی مدیریتی؛ ۴. ارائه راهکارهای کاربردی؛ درحالی‌که در بسیاری از آثار مدیریت اسلامی، مسائل به صورت کلی بیان شده است؛ ۵. با توجه به سخنرانی بودن این اثر، مجموعه عناوینی که آقای دکتر نقی پورفر بدان توجه داشته و ارائه کرده‌اند، در مجموع مناسب است؛ زیرا هم‌زمان هم به مبانی، هم به مسائل مدیریتی و تا حدودی به نکات مورد تقاضای جامعه پرداخته‌اند؛ ۶. در آثار ایشان، به‌ویژه در مطالعات بخش اسلامی و دینی، منابع داده شده دست‌اول به شمار می‌رود و در این اثر، چون سخنرانی است، کمتر چنین چیزی دیده می‌شود؛ ۷. بر این اثر و آثار قبلی ایشان، رویکرد تأسیسی غالب است.

نکته مثبت این اثر از لحاظ روشی، شیوه ورود به مدیریت اسلامی از منظر قرآن، آن هم تفسیر قرآن به قرآن و تمرکز بر متن قرآن است که شیوه بدیعی است.

برخی اشکال‌های مهم که در این اثر وجود دارد، عبارت‌اند از: ۱. واژگان عملیاتی و برخی واژه‌های غیرعملیاتی تعریف نشده است؛ ۲. پرداختن به ابعاد رابطه عقل و دین که از بحث‌های روز است و در دو فصل ابتدایی کتاب بدان اشاره شده است؛ هرچند تا حدودی در خلاصه فصل دوم آمده است؛ ۳. در چند جای کتاب

^۱. عضو هیئت علمی دانشگاه قم.

^۲. عضو هیئت علمی پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.

^۳. ناقدان: حجج اسلام آقایان مجدالدین مدرس زاده، دکتر علی اکبر بخشی، قادر علی واثق، سیدمسعود قانع و دکتر ابوالفضل گائینی.

به گونه‌ای از فقه و فقهات بحث شده است که خواننده استنباط می‌کند شاید فقیهان به برخی مسائل کم‌توجه بوده‌اند؛^۴ دو یا سه مورد از مثال‌ها، نقل قول یا خواب دیدن است که این موضوع تا حدودی از سطح علمی بحث می‌کاهد؛^۵ بیان نکردن استدلال برای انتخاب ده موضوع و عنوان در کتاب؛^۶ این اثر به لحاظ شکلی و ویرایشی به بازنگری نیاز دارد؛^۷ در برخی فصول، سلسله‌مراتبی که موجب هدایت بحث از کل به جزء یا بالعکس شود، وجود ندارد؛^۸ به موضوع زنان، مدیریت و اشتغال آنها توجه زیادی شده است. اگر این بحث بخواهد جامع باشد، باید دیدگاه دیگران نیز بیان شود. همچنین اختصاص دادن این مقدار از کتاب به این موضوع، به استدلال نیاز دارد؛^۹ در اثر، گاهی اضطراب دیده می‌شود و سطح مدیریت با سطح حاکمیت یکسان دیده شده است؛ یعنی گاهی در سطح کلان جامعه که حوزه علم مدیریت نیست و گاهی نیز در درون دانش مدیریت، رفت و برگشت دارد.

مؤلف: ۱. علت تعریف نکردن واژگان این بوده است که با توجه به مخاطبان، آنها را جزء بدیهیات اجتماعی در نظر گرفتم و براساس منطق آخوند خراسانی، مثل بحث موضوع استنباط در کتاب *کفایة الاصول* عمل کردم، وگرنه براساس روش کلاسیک باید این واژگان را تعریف می‌کردم.

۲. استادان مدیریت بدون حضور من، نام واحد درسی مبانی مدیریت اسلامی را در شورای عالی برنامه‌ریزی انتخاب کردند. همچنین به دلیل تعجیل در چاپ کتاب، مشکلات شکلی ایجاد شده است.

۳. در بحث عقل و دین، بحث‌ها را بیشتر بر نکات و گره‌های ویژه مخاطب متمرکز کردم و با این پیش‌فرض که مخاطب با آن آشنایی دارد، بحث‌ها را ارائه ندادم؛ اما برای ایجاد نشدن خلط مبحث، این امور باید درست تبیین شود و جای آن خالی است.

۴. درباره فقه و فقیهان، مقاله‌ای با عنوان «مقایسه‌ای بین فقه سنتی و فقه قرآن جامعه‌نگر» ارائه داده‌ام و در آنجا گفته‌ام که فقه سنتی از جنبه‌های مختلفی دچار کمبود است؛ یعنی جامع‌محور و حکومت‌محور نیست؛ برخلاف فقه امام خمینی^ع که حکومت‌محور است و هشتاد تا نود درصد مسائل درباره احکام اجتماعی است. نگاه سنتی به فقه، آسیب‌های زیادی به نظام وارد می‌سازد. نگرش ولایت فقه، یعنی نگرش جامع‌محور و حکومت‌محور که این مسئله وضعیت مستحبات و واجبات را دگرگون می‌سازد. همچنین در فقه سنتی، نگاه بخشی‌نگر به قرآن وجود دارد؛ یعنی تعداد خاصی از آیات را به احکام اختصاص داده‌اند^{۱۰} و قصص قرآن از حیز انتفاع فقهی خارج است. آیات اعتقادی نیز جزو مباحث فقهی قرار نگرفته است. در مقاله مذکور نشان داده‌ام که معصومان^ع از آیات اعتقادی و قصص قرآن استنباط فقهی کرده‌اند و این تزییق، سنت جاریه‌ای شده که بر این حصر دلیلی از منظر فقها نیافتم و عجیب است که حوزه بدون استدلال، آیات احکام را تحدید کرده و این نیز آسیب زیادی بر فقه وارد ساخته است. امیدوارم اینها زمینه‌ای باشد تا مباحث علمی جدی درباره موضوع‌ها داشته باشیم.

۵. پرداختن به موضوع زنان، به دلیل توجه خود من بوده است. در جامعه، از نظر منابع انسانی سه گروه تولیدکننده (جوانان، زنان و مدیران) و یک گروه مصرف‌کننده (فقیران و مساکین) داریم. گروه آخر، پشتوانه معنوی جامعه است و با توجه به عنایت خداوند به آنها با دست غیب یا با الهام، گره و مشکلات فکری و اجرایی را می‌گشاید. با این نگاه، سرنوشت سلامت جامعه را در درجه اول به سلامت زنان وابسته می‌دانم؛ زیرا اسلام جامعه

^۴ در کتب فقهی چهارصد یا پانصد آیه مبنای فقه قرار گرفته‌اند.

سالم را مساوی با خانواده سالم می‌داند؛ برخلاف فرهنگ غرب که جامعه سالم را به انسان سالم می‌داند؛ حتی اگر بدون خانواده باشد.

مبنای نگرش اسلامی چهار مقوله است: ۱. خانواده؛ ۲. انسان؛ ۳. نگرش جامعه به مقوله حکومت اسلامی؛ ۴. مدیریت. از منظر اسلام، شایسته‌سالاری مدیران به چهار مقوله تعهد، تخصص، تجربه و توان مدیریتی بستگی دارد.

۶. بیان بحث خواب‌ها برای تقریب به ذهن است، نه استناد. تأکید نیز کرده‌ام که بروز رفتارها منطقی و اتکا به خواب‌ها، موجب ایجاد مشکلاتی می‌شود. مدیریت اسلامی به‌زعم مدیریت علمی که عناصر اندیشه و تصمیم‌ساز مدیران را به عوامل مادی می‌شناسد، تأثیر ملک و جن را در مدیریت، اساسی می‌داند. به نظر من، براساس قرآن،^۹ اعتقاد به ملک جزو اصول دین، و بسیار کاربردی و مهم است.

۷. علت انتخاب موضوعات ده‌گانه در کتاب، آن است که اولاً، این یک‌سوم از بحث‌های سخنرانی است؛ ثانیاً، کتاب با شتابزدگی تهیه شده است؛ ثالثاً، با توجه به سؤال‌های مخاطبان و طرح در کلاس‌ها، اولویت را با این موارد دانستم.

۸. درباره رعایت سلسله‌مراتب منطقی هر فصل، در اینجا هدفم انتقال آن نکته‌سنجی‌هاست، وگرنه اگر متن در قالب نوشتاری درآید، رعایت آن لازم است.

۹. در بحث سطح مدیریت و حکومت، بیشتر تلاش کردم بر وجوه مشترک قابل توجه در سازمان و حکومت تأکید کنم. البته در این حوزه بحث‌ها و دیدگاه‌های خاصی دارم.

ناقد: بهتر است در مقوله زنان دیدگاه‌های دیگران نیز دیده شود.

مؤلف: مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی^ع و مرکز مطالعات زنان، همایشی درباره موضوع اشتغال زنان برگزار کردند. درحالی‌که مقاله‌ای با عنوان «چشم‌انداز و نهاد خانواده» به مرکز مطالعات زنان داده بودم، اما به آن جلسه دعوت نشدم.

ناقد: پیشنهاد انجمن مدیریت اسلامی این است که محققانی که با آنها در ارتباط هستید، مطالبی را که در کتاب *اصول و الگوها* آمده است، به‌عنوان موضوع تحقیق برگزینند (البته اگر تاکنون این کار انجام نشده است)، تا با انجام مطالعات میدانی، نواقص آنها برطرف شود. یکی از مباحثی که من درباره آن فهم درستی ندارم، موضوع قائم‌مقام در مبحث زنان است.

مؤلف: ۱. موضوع فقیهان: من با اشاره به آیه ۳۲ سوره احزاب به بحث فقه مدیران پرداخته‌ام و از لحاظ روان‌شناسی اجتماعی نیز دید مردم این‌گونه است. فقیهان به فقه مدیران نپرداخته‌اند. برای نمونه، شرط شکستن حرز برای سارق مدیر لازم نیست؛ اما در فقه سنتی این منظر وجود ندارد. اگر منظر فقه مدیران و فقه حکومتی را نپذیریم، بسیاری از سیره‌های انبیا و اولیای الهی در قرآن و سنت را نمی‌توان تفسیر کرد. از این رو، سیره‌های قرآنی نوعاً مسکوت گذاشته شده و سیره اهل بیت^ع نیز با تعبیر «قضیه فی واقعه» به کناری نهاده شده است.

۲. موضوع خواب‌ها: در برخی روایات آمده است که شیاطین نمی‌توانند در سیمای اهل بیت^ع ظاهر شوند؛ بلکه شیاطین برای برخی افراد مستعد، خواب‌سازی و تخیل‌سازی یا دروغ‌پردازی می‌کنند و از این راه، گاه القای رؤیت معصوم^ع در خواب ادعا می‌شود.

۳. موضوع زنان: آیه ۲۸۱ سوره بقره، به دلیل ویژگی‌های خاص زنان می‌فرماید شاهد زن باید دو نفر باشد. این مسئله به دلیل کمک کردن هنگام شهادت دادن است تا اینکه فردی که می‌خواهند علیه او شهادت دهند، با جوسازی، از احساس و عواطف زن در رأی‌دهی سوءاستفاده نکند. از این آیه برای نیاز به قائم‌مقام مدیر برای مدیر زن در محیط زنان استفاده کرده‌ام. خداوند برای اینکه در تحلیل حوادث، احساسات زن تحت تأثیر قرار نگیرد، فردی را به منزله قائم‌مقام برای بررسی حادثه و موضوع و سپس اعمال مدیریت در نظر گرفته و این قائم‌مقامی واجب است.

وجه تمایز زنان با مردان در سه ویژگی است: ۱. ویژگی جسمی (ظرافت جسمی و زیبایی)؛ ۲. روانی (بیشتر بودن تخیل، عاطفه و حساسیت روحی)؛ ۳. ویژگی جسمی - روانی (دارای بلوغ جسمی و روانی زودتر، امکانات مادری، ایام خاص آنها در هر ماه، سن یائسگی)؛ این ویژگی‌ها در جایگاه شغلی آنها اثرگذار است. براساس این ویژگی‌های سه‌گانه، معتقدم قضاوت، فرماندهی کل قوا و مرجعیت (محل رجوع بودن) زنان در ارتباط با مردان حرام است.

من آمادگی دارم تا در نشستی دیگر با حضور صاحب‌نظران دیدگاه‌های متفاوت، درباره این موضوع گفت‌وگو کنیم. بی‌شک، وضعیت زنان سرنوشت جامعه را تعیین می‌کند. به اعتقاد من، حوزه علمیه در حال حاضر در روند حوادث اجتماعی بیشتر ناظر بی‌طرف است تا فعال تأثیرگذار. ما در جامعه دو چیز کم داریم: الف) دانشگاه قرآنی با تعریف عملیاتی روشن از آن؛ ب) دانشگاه مدیریت اسلامی که این موضوع را از مفاد یک حدیث نبوی به دست آورده‌ام: *صِنْفَانِ مِنْ أُمَّتِي إِذَا صَلَحَا صَلَحَتِ الْأُمَّةُ وَإِذَا فَسَدَا فَسَدَتِ الْأُمَّةُ: الْأَمْرَاءُ وَالْفُقَهَاءُ*.^۶ علما، مدیران فرهنگی و امرا مدیران اجرایی نظام‌اند و سرنوشت جامعه در دستان این دو گروه است. انجمن مدیریت اسلامی باید از ارائه‌دهندگان بینش و معیارهای کاربردی به مسئولان، و مجموعه‌ای تأثیرگذار در تحولات اجتماعی باشد.

پیشنهاد می‌کنم در صورت به چالش کشاندن موضوع‌های کاربردی، مسئولان و برنامه‌ریزان حکومت را نیز برای بیان نظرهایشان دعوت کنید. برای نمونه، این سبک و سیاق همکاری خانم‌ها در نیروی انتظامی را برای نظام فاجعه می‌دانم. چرا در استخدام، اولویت به آقایان داده نمی‌شود؟ در صورتی که تأمین معاش خانواده با مرد خانه است. به نظر من، خانم‌ها دو حق همسری و مادری دارند که قرآن و روایات آنها را تعریف کرده، اما فقه تعریف نکرده است. خانم‌ها به غیر از نفقه حق همسری و مادری دارند. در آینده اگر خانواده شکل نگیرد، فاجعه‌های بزرگ ناموسی و اخلاقی خواهیم داشت. اگر این امور را اصلاح نکنیم، افق تاریکی پیش روی ما خواهد بود. با این نگاه، اولویت اشتغال با آقایان است.

ناقد: تا اینجا مباحث بسیار کافی و مفید بود؛ اما حدود بیست تا سی درصد از مطالب ارائه شد. پرسش دیگری که در اینجا مطرح می‌شود آن است که مثال‌های فصل هفتم، با عنوان آن در کتاب که «نگرش جامع قرآنی و امدادهای غیبی» است، همخوانی ندارد. همچنین بحث جن به صورت جامع بیان نشده است؛ بلکه فقط به اجنه تخریب‌گر و شیطانی پرداخته‌اید.

مؤلف: تذکر خوبی بود و باید درباره اجنه مسلمان دو مثال می‌آوریم. بحث جن مسلمان عطف به جایگاه و تأثیر ملک است و از نظر کاربردی و تأثیر، فرقی بین نقش اندیشه‌سازی ملک و جن مسلمان وجود ندارد؛ مگر

۶. ورام‌بن‌ابی‌فراس، مجموعه ورام، ج ۲، ص ۲۲۸.

اینکه جن مسلمان برخلاف ملک می‌تواند به‌صورت فیزیکی حاضر شود. جنیان می‌توانند در امدادهای غیبی نقش‌آفرین باشند. اگر در فیلم‌هایی مانند «اغما» همین سبک ادامه یابد، موجب اهانت به دین می‌شود. این تعریف از جن چه مستند دینی دارد که هر زمان جن بخواهد آشکار و پنهان شود و هر کاری بکند؟ کمترین مفسدهٔ این تعریف، نفی نظام تکلیف و نظام اختیار و مسئولیت انسانی است.

ناقد: ظاهراً مراد از نگرش سیستمی در کتاب، بحث جامعیت و نظام در متون فارسی است، نه دیدگاه سیستمی مطرح در مباحث مدیریتی.